

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

علیه نسل کشی و خطر گسترش جنگ، علیه جنگ تروریستها! برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

صفحه ۲

در یک نگاه

رضا پهلوی و اپوزیسیون پروغربی بخت برگشته!

صفحه ۵

رحمان حسین زاده

پلاتفرم رهایی زن، سرنگونی رژیم و براندازی آپارتاید جنسی در همه اشکال آن

صفحه ۶

هلاله طاهری

در باره لنین و لنینیسم

با منصور حکمت در "مارکسیسم و جهان امروز"

صفحه ۸

کمونیست می پرسد

در مورد تحولات ترکیه و مذاکرات احتمالی با پ ک ک

صفحه ۹

عبداله دارابی و صالح سرداری

زنده باد اکتبر، زنده باد انقلاب کارگری!

صفحه ۱۱

سیاوش دانشور

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

صفحه آخر

حمله نظامی هماهنگ شده، دپرشن اپوزیسیون راست

مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۱۱ آبان ۱۴۰۳ - ۱ نوامبر ۲۰۲۴

اشک تمساح نریزید، جنگ را پایان دهید

قتل عام مردم در بیت لاهیا در غزه و مردم بعلبک در لبنان

یادداشت

قتل عام مردم فلسطین در غزه و اکنون مردم لبنان در طول یک ماه گذشته توسط دولت اشغالگر و فاشیستی اسرائیل بی مهابا ادامه دارد. آنچه در رسانه ها از جنگ و نسل کشی دولت اسرائیل بخصوص در غزه می گذرد، تنها گوشه ای از جنایات و مشقات مردم فلسطین است. باید از قربانیان این هلوکاست پرسید و شنید که در طول بیشتر از یک سال از آغاز حمله ارتش اسرائیل به غزه چه بر سر این مردم آمده است. همه شواهد تا کنونی نشان می دهد که هدف دولت اسرائیل در این جنگ وحشیانه، نابودی مردم فلسطین، شکستن اراده آنان و حذف حقوق پایه ای مردم فلسطین برای داشتن دولت مستقل است.

روز سه شنبه ارتش جنایتکار و اشغالگر اسرائیل در ادامه نسل کشی در غزه در یک حمله هوایی به ساختمانی در شهر شمالی بیت لاهیا نزدیک به ۱۰۰ نفر از جمله ۲۰ کودک را به قتل رسانده و دهها زخمی به جای گذاشته است. گفته می شود که حدود ۲۰۰ نفر از مردم آواره غزه در ساختمان چهار طبقه ای که مورد اصابت بمبهای ارتش اسرائیل قرار گرفته زندگی می کردند. وزارت خارجه دولت امریکا حامی دولت

صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بمانند. هدف تحمیل یک تناسب قوای جدید در ترتیبات سیاسی و امنیتی خاورمیانه و به این اعتبار در چهارچوب وسیعتر معادلات قدرت بلوک بندیهای جهانی در منطقه است.

در شرایطی که جریان ارتجاعی "محور مقاومت" تضعیف شده و در سیر فروپاشی است، حمله نظامی به ایران و گسترش جنگ تروریست ها در درجه اول صفوف متشکلت جمهوری اسلامی را منسجم و به مبارزه جاری برای سرنگونی انقلابی ضربات مهلک میزند. رژیم با استفاده از فضای جنگی، در عین بند و بست با دولتها به مردم و جنبشهای اعتراضی تهاجم خواهد کرد. شرایط جنگی در هر سطحی علیه روند مبارزه انقلابی است، اپوزیسیون راست پروغری اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه و فدرالیست را تقویت میکند، زمینه عروج نیروهای ضد جامعه و فلائز و سناریوی سیاهی و قیچی کردن موقت مردم از سیاست خواهد بود. باید موكداً تکرار و تاکید کرد که چنین جنگی به مبارزه مردم ایران فرصت نمیدهد بلکه به تداوم سلطه خونین جمهوری اسلامی و یا از هم پاشیدن شیرازه جامعه خدمت میکند. این جنگ دو دولت و ارتش ها و جبهه های هم مرز نیست، تروریسم هوایی و مجازات جمعی شیوه طرفین درگیر است. این جنگ بر سر حل مسئله فلسطین هم نیست، هر دوسوی جدال خواهان نفی مسئله فلسطین اند. تروریسم و قلداری میلیتاریستی تنها نیروهای واپسگرا و فاشیست و فرقه های مهجور سیاسی را تقویت میکند و مخاطرات وسیعی برای جامعه و مردمی دارد که تلاش دارند رژیم اسلامی را سرنگون کنند.

فضای جنگی و صف بندی ها در اپوزیسیون ایران

با تشدید فضای جنگی سرعت نیروهای سیاسی اپوزیسیون حول برخورد به جنگ پلاریزه شدند. این پلاریزاسیون گوشه ای از تشدید قطبی شدن سیاست در ایران است. در شرایطی که هنوز جنگ مستقیم دو طرف شروع نشده با این صفتندی مواجه هستیم و در صورت وقوع جنگ تشدید خواهد شد:

۱- بلوک مدافع حمله نظامی بمثابه مؤتلف سیاسی و بوقچی ارتش اسرائیل و آمریکا. سلطنت طلبان، بخشی از جمهوریخواهان، ناسیونالیستهای قومی فدرالیست، مجاهدین خلق از این زمره اند. این طیف "آزادی" را در بمب های ناتو و اسرائیل جستجو میکنند و روی دوش ویرانی جامعه، قیچی کردن مردم از سیاست و سلطه عنصر استیصال، رویای نزدیک شدن به قدرت را در سر میپوررانند.

۲- بلوک دیگر، شاخه های مختلف ناسیونال شوونیسم است که با عبارتهای مختلف "در دفاع از میهن" در کنار جمهوری اسلامی ایستاده اند. طیف توده ایست از هواداران سابق سرمایه داری دولتی در بلوک شرق تا هواداران کنونی روسیه و چین، نیروهای مرتجع محور مقاومتی که علناً و رسماً از جمهوری اسلامی دفاع میکنند، طیف مشهور به "آنتی امپریالیسم" میان رگه هائی از چپ که ناسیونال شوونیسم بستر اصلی را در شکل یک ناسیونالیسم ضد امپریالیستی و دفاع از ارتجاع کوچک فرموله میکنند، با ادبیات و ادله های مختلف در بلوک حمایت از جمهوری اسلامی قرار میگیرند.

۳- یک رگه ضعیف تر آرامش طلبی لیبرالی و دفاع از وضع موجود زیر پوشش "صلح طلبی" است. بخشی از نیروهای طیف مرکز از اصلاح طلبان تا جمهوریخواهان، از بنیان جنگ و از

صفحه ۴

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

علیه نسل کشی و خطر گسترش جنگ، علیه جنگ تروریستها!

برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی!

لجاجت دولت نژادپرست اسرائیل بر ادامه نسل کشی در غزه، گسترش جنگ به لبنان و کشتار مردم بیدفاع و آوارگی میلیونی، تصمیم حمله نظامی به مراکز و مناطقی در ایران، کابوس جنگ ویرانگری را در مقابل مردم خاورمیانه و جهان قرار داده است. جنگ و تقابل دولتهای مذهبی و فاشیست اسرائیل و جمهوری اسلامی به دو راهی های خردکننده رسیده است. چهارچوب سیاست جنگ نیابتی و محدود سابق به سیاستی تهاجمی تر تغییر یافته است. این تغییر از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ تاکنون و بویژه در دو ماه گذشته با حذف و ترور سران حماس و حزب الله و نیروهای رژیم اسلامی، شتاب بیشتری گرفته است. حمله موشکی اخیر جمهوری اسلامی به اسرائیل، که زیر فشار و برای آبروداری میان نیروهای خودی و نیابتی با اطلاع قبلی صورت گرفت، بهترین هدیه جمهوری اسلامی و خامنه ای به نتانیاهو بود. این حمله موشکی فرصتی طلائی به دولت جنگ طلب اسرائیل تحت عنوان "پاسخ مشروع" برای گسترش جنگ در منطقه داد. امروز رسانه ها و تریبونهای دولتی و غیردولتی دست راستی با هیجان ابلهانه ای که گویا مشغول بازی کامپیوتری هستند، از اهدافی که باید بمباران شوند سخن میگویند. در کنار تبلیغات جنگی، یک سیکل فعال دیپلماسی برای بند و بست و امتیازگیری در سطوح مختلف در جریان است.

حمله دولت اسرائیل با تأیید و حمایت دولت آمریکا به مناطقی در ایران قریب الوقوع است. دامنه این پاسخ سیر بعدی تقابل را ترسیم میکند. تمرکز تلاشهای دیپلماتیک در منطقه بر سر محدود کردن دامنه پاسخ اسرائیل و اجتناب از گسترش جنگ است. در حال حاضر، بجز دولت اسرائیل هیچ دولتی خواهان گسترش جنگ و ورود خاورمیانه به یک جنگ تمام عیار نیست. رویارویی رژیمهای ارتجاعی اسرائیل و ایران با جنگ کلاسیک دو کشور همجوار تفاوت دارد. بمباران و موشک باران و تروریسم هوایی و سایبری شکل غالب خواهد بود و تداوم این تقابل تروریستی نیازمند حمایت و دخالت مستقیم دولت آمریکا است، اقدامی که تاکنون دولت آمریکا از آن اجتناب کرده است.

کشمکش و تقابل دولتهای اسرائیل و ایران یک جنگ تروریستی با اهداف ارتجاعی و خط مشی فاشیستی است. هدف دولت نژادپرست اسرائیل متکی به حمایت کامل دولت آمریکا از این تقابل؛ نه نابودی حماس و حزب الله بلکه به حاشیه راندن و تضعیف جدی آنها، نه سرنگونی جمهوری اسلامی بلکه تحمیل توازن قوای جدیدی به جنبش اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در منطقه است. آنچه که "نظم نوین خاورمیانه" عنوان میشود، بازسازی ارتجاعی و بورژوائی خاورمیانه است که طلیعه خونین آنرا در نسل کشی و مجازات جمعی مردم فلسطین، در آوارگی میلیونی و کشتار مردم عادی لبنان، در گسترش میلیتاریسم در منطقه، در تثبیت صریح ترین تبلیغات و ادبیات نژادپرستانه در رسانه های بستر رسمی دیده ایم. در این کشمکش قرار نیست هیچ نیروی تروریستی نابود شود، آنها صرفاً باید ضعیف شوند اما در صحنه

مرگ بر جمهوری اسلامی!



خود با حمایت دولت امریکا و غرب یکی از بزرگ‌ترین جنایت و نسل کشی را شکل داده است. مردم فلسطین اما هیچگونه امکانی برای دفاع از خود در مقابل این نسل کشی ندارند. بیشتر از این اشک تمساح نریزید، به این جنگ پایان دهید. دولت اسرائیل را برای پایان جنگ تحت فشار قرار دهید. مردم آواره و ستمدیده فلسطین به بیشترین حمایت مردمی و انسانی در این جنگ ویرانگر و نابرابر نیاز دارند.

سردبیر



GE



اشک تمساح نریزید، جنگ را پایان دهید قتل عام مردم در بیت لاهیا در غزه و مردم بعلبک در لبنان

اسرائیل در این نسل کشی برای مردم غزه دوباره اشک تمساح ریخته و؛ حمله به بیت لاهیا در غزه را هولناک توصیف کرده و از اسرائیل توضیح خواسته است و ارتش اسرائیل گفته که در حال بررسی و تحقیق است؛ دولت و ارتش اشغالگر و نسل کش اسرائیل بیش یک سال است که هولناکترین جنایت در حق مردم فلسطین در غزه و کرانه باختری مرتکب شده، بیش از ۴۰ هزار آدم کشته، صدها هزار زخمی و بیش از دویلمیون آواره و همه چیز را نابود کرده و اکنون با قلدردی تمام همین سناریو آدم کشی را بر سر مردم لبنان پیاده می‌کند و مانعی برای تکرار این جنایات نمی‌بیند. دولت فاشیت اسرائیل در طول جنگ علیه مردم فلسطین بارها مدارس، بیمارستانها و مراکزسازمانهای بین المللی برای کمک به پناهندگان را به بهانه حضور حماس در این اماکن بمباران و هزاران نفر را کشته و هیچوقت جابگوی این همه جنایات هولناک نبوده است.

دولت اسرائیل به این هم قانع نیست و اکنون با سرنوشت مردمی که بعد از یک سال بمباران و آوارگی جان سالم به در برده اند بازی می‌کند. مجلس اسرائیل در نشست قانون جدیدی را به تصویب رسانده و فعالیت؛ آنروا؛ بزرگ‌ترین آژانس کمک رسانی به مردم غزه را ممنوع اعلام کرده است. بهانه این است که حماس در این سازمان نفوذ دارد. این اقدامات جنایتکارانه دولت اسرائیل هدفی جز نابودی تمام و کمال مردم فلسطین را ندارد. دولت و ارتش اسرائیل این چرخه نابودی را اکنون در لبنان با هدف نابودی حزب اله ادامه می‌دهد.

ارتش اسرائیل در ادامه جنایات خود در لبنان روز چهارشنبه به مردم بعلبک واقع در شرق لبنان هشدار داده که باید خانه و زندگی خود را ترک کنند. این هشدار بعد از بیش از ۳۵ حمله هوایی به بعلبک بوده که طی آن ۶۷ نفر کشته و ۱۲۰ نفر زخمی شده اند. این تنها گوشه کوچکی از جنایات ارتش و دولت اسرائیل از آغاز حمله به لبنان در یک ماه گذشته و کشتار و آوارگی مردم بخصوص در بیروت است. کشور لبنان سالها درگیر جنگ فرقه ای و مذهبی و هزاران کشته بر جای گذاشت دولت اسرائیل در آن نقش داشته، و اکنون با حمله به لبنان اختلافات میان مسیحیان و مسلمانان را زنده کرده و از آن به نفع خود استفاده می‌کند.

دولت و ارتش فاشیست و اشغالگر اسرائیل نه تنها حقوق مسلم فلسطینیان، حتی حق زندگی و حیات را از آنان صلب کرده و کمر به نابودی مردم فلسطین بسته است. راسترین عناصر این حکومت از نتانیاهو فاشیست تا سایرین که به کسی جوابگو نیستند و گستاخانه در انظار جهان به این نسل کشی ادامه می‌دهند. جنایت و نسل کشی مردم فلسطین توسط دولت و ارتش اسرائیل نه از ۱۷ اکتبر که بیش از ۷ دهه از آغاز شکلگیری دولت دست ساز اسرائیل توسط غرب آغاز شده است.

به این چرخه جنایت باید پایان داده شود. جلو صیبعیت و کشتار مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل باید گرفته شود. مردم فلسطین حق زندگی و امنیت تا تشکیل دولت مستقل دارند و باید این حق را برسمیت شناخت و برای آن تلاش کرد. دولت اسرائیل به نام دفاع از

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال
آلترناتیو شورایی در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و
دوستانتان معرفی کنید.

آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!

جنگ تروریستها، گسترش اعتصاب و اعتراض و مبارزه انقلابی علیه رژیم اسلامی است. در صورت وقوع جنگ، شرایط کار ما تغییر میکند نه سیاستها و اهدافمان. در این دوره پاسخ به الزامات محوری مبارزه طبقاتی، درک شرایط جدید برای عمل انقلابی و سوسیالیستی، دست بردن به هر اقدامی که نیاز زمانه و شرط تقویت جامعه و جنبشهای پیشرو است، از وظایف کمونیست ها و بویژه رهبران کارگری و جنبشهای اجتماعی است. جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، اردوی آزادی و برابری، نه در اهداف جنگ و نه در صفوف دولتهای تروریست درگیر جنگ و نه در سیاست موثلفین آنها شریک نیست. ما علیه همه آنها هستیم و سرنگونی حاکمیت بورژوازی و انقلاب کارگری را تنها پاسخ واقعی و جامع به این اوضاع میدانیم.

سیاست ما درعین حال بسیار صریح علیه تبلیغات جنگ طلبانه و شوونیستی و ناسیونالیستی و علیه سیاست دفاع از حکومت اسلامی است. سیاست انترناسیونالیستی کارگری علیه جنگ سرمایه داران اساساً علیه بورژوازی "خودی" و جمهوری اسلامی، سیاستی در دفاع از همسرنوشتی کارگران و مردم آزادیخواه در منطقه و جهان، تقابل با فرقه ها و دستجات آواتوریست و سناریوی سیاهی و منزوی کردن آنها، مقابله با آلترناتیوسازی جریانان راست، آمادگی برای مواجهه با هر خلأ قدرتی که ممکن است در هر مقطع رخ بدهد و پر کردن آن با قدرت مستقیم کارگری و توده ای و انقلابی است.

دولت نژادپرست و آپارتاید مذهبی اسرائیل "ناجی" مردم ایران نیست. سرنگونی رژیم اسلامی و پایان دادن به ارتجاع مذهبی در منطقه امر جنبش کمونیسم کارگری و حزب حکمتیست، کار طبقه کارگر سوسیالیست، امر زنان و نسل جدید برابری طلب و انقلابی است. رهبران کارگری و کمونیست ها باید در ایندوره برای سلب قدرت از بورژوازی تلاششان را متمرکز کنند. فراهوان ما به طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان اینست که علیه نسل کشی و جنگ تروریستها و در دفاع از مبارزه مردم ایران برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بیدار بمانند. "این جنگ ما نیست، جنگ سرمایه داران است!"، "نه به نسل کشی، نه به جنگ ارتجاعی!"، "با تمام قوا برای سرنگونی جمهوری اسلامی!"، "علیه جنگ کاپیتالیستها، زنده باد انقلاب کارگری!"

نه به تروریسم دولتی، نه به تروریسم اسلامی!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
اکتبر ۲۰۲۴ - مهر ۱۴۰۳

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>

www.hekmat.com

بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست...

سازمان ملل جنگ طلبان تقاضای برقراری صلح میکنند. عمده این نوع "صلح طلبی" همواره بین دو اردوی درگیر و بلوکهای مدافع آن در نوسان است و ماهیت مستقلی ندارد.

۴- کمونیست ها و کارگران و مردمی که جنگ خودشان را دارند و جنگ تروریست ها را پارازیتی بر آن میدانند. نیروهائی که بادبان آمیدشان را به بمب های اسرائیل و آمریکا و کشتار کارگران در صنایع زیرساختی ایران گره زده اند و درگیر یک مبارزه بیوقفه علیه استبداد و استثمار، علیه زن ستیزی، علیه فقر و فلاکت و مشقات نظام کنونی اند. این بلوک نماینده انسانیت و تمدن و پرچمدار "نه به جنگ تروریست ها"، سرنگونی جمهوری اسلامی و انقلاب کارگری علیه سرمایه داری است.

در وضعیت حاضر، بلوک هواداری از حمله نظامی پُر سر و صداتر و بلوک هواداری از جمهوری اسلامی ضعیف تر است. سیاست و شیوه برخورد این دو بلوک تفاوت ماهوی ندارد، هر دو در اهداف جنگ شریکند و هر دو منافعشان را در دفاع از یک طرف درگیر جنگ جستجو میکنند. این نیروها پروکسی تبلیغاتی و سیاسی طرفین کشمکش و مدافع اهداف ضد انسانی جنگ ارتجاعی دولتهای سرمایه داری اند.

چه باید کرد کمونیست ها در شرایط کنونی و در دوره گسترش جنگ احتمالی

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، مکرراً تداوم نسل کشی در غزه، گسترش جنگ تروریستی به لبنان و میلیتاریزه کردن منطقه را قویاً محکوم میکند. ما خواهان توقف فوری نسل کشی و جنگ تروریستها هستیم. ما علیه فضای جنگی و گسترش احتمالی این جنگ به ایران و خاورمیانه هستیم. در صورت تحمیل این جنگ ویرانگر به جامعه ایران، حزب ما در دوره جنگ همان اهدافی را علیه جمهوری اسلامی دنبال میکند که قبل از جنگ دنبال می کرد. سیاست ما علیه اهداف جنگی دولتهای تروریست اسرائیل و جمهوری اسلامی است. این جنگ ما و طبقه کارگر نیست، جنگ ما زنان و نسل جدید نیست، این جنگ سرمایه داران و دولتهای تروریستی است و قرار است هزینه آنرا شهروندان و طبقه کارگر ایران و اسرائیل بپردازند. سیاست محوری حزب حکمتیست در دوره جنگ، گسترش مبارزه انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تلاش برای به شکست کشاندن افق ارتجاعی "نظم نوین خاورمیانه" است. کمونیست ها و طبقه کارگر در کشورهای منطقه و جهان ضروری است در مقابل افق بورژوائی نظم ارتجاعی خاورمیانه، بر انترناسیونالیسم و همبستگی طبقاتی کارگران در منطقه و بویژه در ایران و اسرائیل، بر بمیدان کشیدن صفوف سکولار و پیشرو و سوسیالیست در خاورمیانه برای یک همزیستی و صلح پایدار، بر سرنگونی دولتهای استبدادی و مذهبی و اسلامی، بر حمایت از مبارزه انقلابی در ایران و بر حل فوری مسئله فلسطین تاکید کنند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در دوره جنگ بیش از هر زمان بر منفعت و صف مستقل طبقه کارگر و اهداف ضد کاپیتالیستی جنبش طبقه کارگر تاکید دارد. بهترین مخالفت با تبلیغات جنگی و

نه به حجاب اسلامی! حجاب را آتش بزنید!

در یک نگاه

رضا پهلوی و اپوزیسیون پروغری بخت برگشته!

رحمان حسین زاده



نظامی دولتهای غربی و آمریکا و اسرائیل بدون لطمه خوردن ارکان و حاکمیت سرمایه است. تا به این ترتیب اراده توده کارگر و مردم و جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی به حاشیه رانده شود. اینها میدانند سرنگونی جمهوری اسلامی با اتکا به اراده آگاهانه و سازمانیافته کارگران، زنان، جوانان و مردم حق طلب یعنی تغییر

پایه ای تحولات و سوق یافتن جنبش انقلابی برای برچیدن سرمایه داری و عروج قدرت کارگری و توده ای انقلابی که آزادی و برابری و رفاه و سعادت و دنیای بهتر را بشارت میدهد. در نتیجه آگاهانه اتکا به گزینه نظامی آمریکا و ناتو برای دخالت در اوضاع ایران را به فلسفه وجود خود تبدیل کرده و آن را تبلیغ میکنند. اینها میدانند جنگ و تروریسم و دخالت نظامی ارتشهای آمریکا و اسرائیل در ایران در مناسبترین حالت به عنوان مثال یعنی "عراقیزه" کردن جامعه ایران و چه بسا به وجود آمدن شرایطی بسیار بدتر همانند امروز سوریه و لیبی و افغانستان که به تمام معنا شیرازه این جوامع از هم پاشیده و جنگ و کشتار هر روزه انسانها در جریان است. جریانات دست راستی اعم از رضا پهلوی و مشروطه طلبان و جمهوریخواهان پروغری و مجاهدین و فدرالیستهای قومی در کردستان و بخشهای دیگری طبق منافع و مصالح جنبش بورژوازی و ارتجاعی خود در شرایط سناریو سیاهی و برهم خوردن شیرازه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه میتوانند به نان و نوایی برسند، همانطور که حکومت همپالگهای ملی و مذهبی و فدرالیست آنها در کشور عراق و کردستان عراق به جامعه تحمیل شده و خون شهروندان را در شیشه کرده اند. این جریانات به گسترش جنگ برآمده از نسل کشی یکساله فاشیسم حاکم بر اسرائیل بسیار امیدوارند. اوج توحش و نسل کشی ارتش اسرائیل را در غزه و لبنان می بینند، خم به ابرو نمی آورند، به جنگ و موشک و بمبهای همان دولت و ارتش فاشیستی و گفته های نتانیاهوی ضد انسان دخیل بسته اند، تا بلکه رژیم اسلامی را برایشان تضعیف و "براندازد" و خود به قدرت برسند. همین خصلت و کاراکتر ضد انسانی اپوزیسیون راست جنگ طلب معرف اهداف و کارکرد ضد انسانی آنها اکنون و به ویژه در آینده تحولات ایران است. اینها عناصر تحمیل سناریوی سیاه و آینده تاریک بر جامعه ایران هستند. به سهم خود بارها تأکید داشته ام اپوزیسیون بورژوازی راست متکی به جنگ و دخالت نظامی دولت آمریکا و اسرائیل را همراه با اپوزیسیون پرورژیمی و مدافعان مرتجع "محور مقاومت اسلامی" را بیش از پیش باید منزوی و طرد کرد. در بطن تحولات سرنوشت ساز کنونی، جنبش سرنگونی انقلابی و جنبش کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی رادیکال و پیشروان آنها بیش از پیش لازمست اهداف و سیاست و کارکرد همه این جریانات تماماً ضد انسان و ضد مبارزه برحق کارگران و مردم را رسواو خنثی کنیم.

به حزب حکمتیست کمک مالی کنید!

حمله نظامی هماهنگ شده و از قبل اعلام شده ارتش اسرائیل به مراکز نظامی جمهوری اسلامی، آن اقدام مورد علاقه رضا پهلوی و اپوزیسیون راست پروغری جنگ طلب نبود. احتمال پاسخ ندادن جمهوری اسلامی و تشدید فعالیتها "دیپلماتیک" برای ایجاد آتش بس بین اسرائیل و حزب الله به معنای آن است، احتمالاً فتنه گسترش جنگ در سطح منطقه در این دوره پایین کشیده میشود. سایه شوم خطر جنگ به هر نسبت کمتر و نهایتاً خنثی شود، از زاویه زندگی و مبارزه مردم حق طلب در منطقه و در ایران مثبت است. به نظرم اکنون جمهوری اسلامی ضعیف شده به عنوان رأس قطب ارتجاعی و تروریستی "محور مقاومت" ضربه خورده از دست تروریسم دولتی افسار گسیخته و نسل کش اسرائیل برسروراهی وارد شدن به "جنگ تمام عیار یا سازش اساسی" قرار دارد. فاکتورهای متعددی نشان میدهد جمهوری اسلامی به احتمال زیاد مجبور به قبول شق دوم و تن دادن به "نرمش قهرمانانه" و سازشهای اساسی در منطقه خواهد شد. این روند مورد نظر دولت بایدن در کنار اظهار نظر ترامپ برای مذاکره و معامله فوری با جمهوری اسلامی آب سردی بود برای اپوزیسیون "بخت برگشته" راست پروغری امید بسته به جنگ که باردیکرو برای چندمین بار بی افق و مایوس شوند.

دولت نتانیاهوی فاشیست خواستار جنگ تمام عیار وعده "آزادی نزدیک ایران" و یکسره کردن کار با جمهوری اسلامی از طریق ریختن انبوه بمب و موشک بر سر مراکز کلیدی اقتصادی و نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی را میداد. مهره ها و عناصر شاخص راست پروغری و مفسران بارگاهشان با خونسردی چرتکه می انداختند که اگر به "مراکز نفتی و کلیدی اقتصادی و به ویژه مراکز اتمی و نظامی" زده شود، کار تمام است. امیدوار بودند متکی به سناریوی جنگ و بمب و تروریسم هوایی اسرائیل بر تخت قدرت لم دهند. "شاهزاده" پادوی نتانیاهو چنان ذوق زده بود که به دولتهای غربی و آمریکا و اسرائیل وعده میداد نگران نباشید "خلأ قدرت" به وجود نیاید.

سناریوی حمله نظامی شنبه گذشته به وضوح مطابق ادعاهای هیئت حاکمه اسرائیل و هارت و پورتهای نتانیاهو- گالاتت پیش نرفت. نه اینکه آنها نمیخواستند و حتی نمیتوانستند ضربات سنگین تر و به قول خودشان "کشنده تر" به جمهوری اسلامی وارد کنند. آنها مجبور شدند در چهارچوب مصلحتهای پایه ای و منافع دولت آمریکا و در این مقطع و قبل از انتخابات در آمریکا طبق محاسبات "بایدن - لوید آستین" عمل کنند. چند دهه است طیف متنوع و ارتجاعی و ناهمگون اپوزیسیون راست "رژیم چنجی" نمیخواهند این واقعیت ساده را بفهمند که دولت آمریکا و متحدان غربی اش در این چند دهه و تاکنون نقشه ای برای تغییر رژیم در ایران ندارند، بلکه جهت اصلی آنها رام کردن جمهوری اسلامی از کانال سازش و بند و بست است. علت مسئله معرفی و بی اطلاعی جریانات راست از سیاستهای دولتهای غربی قبله گاهشان نیست. بلکه ریشه در افق و اهداف و سیاستهای ارتجاعی آنها دارد، که خواهان جابجایی قدرت از بالا به کمک گزینه

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!



خیابانی ها با مبارزات جمعی سرنگونی رژیم را به سرانجام برسانند و آماده در دست گرفتن قدرت آینده گردند مهمانان خارجی از اپوزیسیون راست و از جمله رضا پهلوی باید خود را جمع کنند، وگرنه نیروهای انقلابی مجبور میشوند همان کف خیابان حششان را کف دستشان بگذارند.

اپوزیسیون دیگری در میان مردم و در خارج طی نیم قرن در کنار مبارزات هر روزه مردم حضور دارند که همواره در تلاش برای تقویت جنبشهای اجتماعی از جمله کارگری، زنان و دیگر اعتراضات بوده اند. رادیکال ترین، ماگزیمالیست ترین خواستها را برای جامعه خواهند. اپوزیسیونی که از حقوق انسان بدون تفکیک هیچ گروه و جنسیتی صحبت میکنند و برای آینده ای برابر و سرشار از آزادی های وسیع سیاسی-اجتماعی-اقتصادی برای زنان و مردان مبارزه میکنند. با دین و فرامین کهن و پوسیده که مانع رشد بشریت ست و زن ستیزی یکی از ارکان ماندن این ادیان در جامعه است جنگیده و خواهان برچیدن آنها. کمونیستها و جنبشهای سوسیالیستی در یک قرن گذشته تا به امروز در ایران که همواره تحت بیشترین سرکوب و اذیت و آزار رژیمها بوده جبهه متحد این جنبشهای اجتماعی امروزی هستند. همین الان از وحشت چپ همه اپوزیسیون راست در خارج، تا دولتهای غربی و خود جمهوری اسلامی با همه جناحهای هر نوع گروه و جریانی را برای سرکار آمدن به پیروزی ما سوسیالیستها ترجیح میدهند.

استفاده سیاسی و ابزاری از جنبش اعتراضی زنان و دیگر جنبشهای اجتماعی از جانب احزاب اپوزیسیون راست و ربودن زحمات و دستاوردهای جمعی کارگران، زنان و دیگر اقشار انقلابی از آنها قدمتی چند صد ساله دارد. سرمایه داری اولیه بر بطن مبارزات جمعی مردم بویژه اولین نسل کارگران آزاد به اریکه قدرت رسید. در دههای پنجاه در الجزیره و تونس و مصر در مبارزه علیه کلونیالیسم اروپایی همه جریانات ناسیونالیست و اسلامی در اتحاد با هم بیشترین نیروی مبارزاتی زنان را مورد استفاده قرار داده و از فردای پیروزی وحشیانه علیه اعتراضات برحق زنان برای آزادی و برابری اقتصادی و اجتماعی دست زدند. سازمانهای زنان را با بدنام کردن رهبران آن تعطیل و بسیاری از آنها را زندانی و سر به نیست کردند. در حال حاضر در خارج کشور اپوزیسیون راست و ناسیونالیست از همه طیفهایش در تدارک همین برنامه اند. سلطنت طلبها و شورای کارگذار و دولت موقت در تبعید شبانه روزی با پوشش میدیای قوی در تلاشند که یک تغییر ایزابی از بالا را بر مبارزات مردم و بویژه زنان و کارگران تحمیل کنند. تصور اینکه این سناریوی آنها به سرانجام برسد بسیار وحشتناک خواهد بود. اپوزیسیون راست هیچگاه خواهان براندازی مراکز اسلامی و حتی سپاه پاسداران نیست چرا که به این نیروها برای سرکوب اعتراضات مردم و ترویج جهل نیاز دارد. برابری کامل میان زنان و مردان در همه شئون امر بسیار سنگین و پرهزینه برای آنهاست که به بخش سودآوریشان لطمه میزند. آزادیهای وسیع سیاسی فضای اعتراضات رادیکال و بویژه اعتراضات ماگزیمالیستی و کارگری را برای حفظ سرمایه برای خود بسیار خطرناک میدانند. آلترناتیو دومی هست که یک پلاتفرم و برنامه برای یک دنیای بهتری را با برابری کامل زن و مرد در همه شئون سیاسی-

صفحه ۷

پلاتفرم رهایی زن، سرنگونی رژیم و براندازی آپارتاید جنسی در همه اشکال آن

هاله طاهری

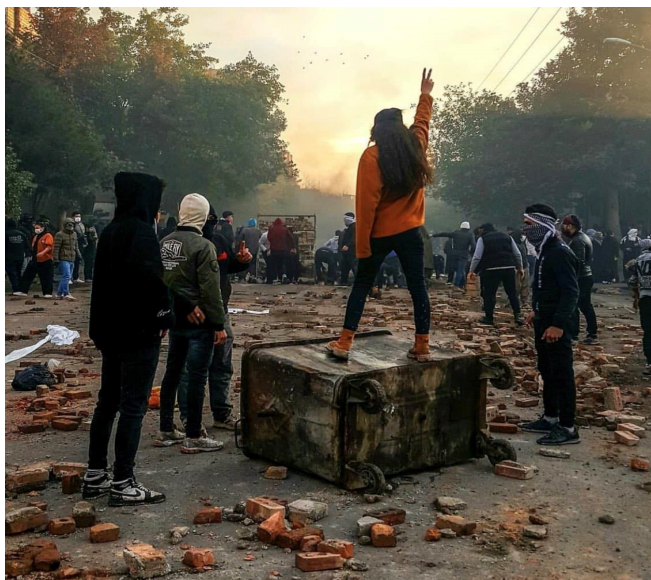
خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و اعتراضات بی نظیر زنان با حجاب سوزانی و برهم زدن آپارتاید جنسی به پایه ای ترین اصل اسلام و لوگوی سیاسی آن ضربه ای تاریخی زد که تا نسلا باقی خواهد ماند. فضایی از همبستگی و همدلی در میان مردم معترض و خشمگین در ایران علیه رژیم و همه اشکال بی عدالتی و زن ستیزانه به همراه خود آورد. آنها که سالها در کنار زنان و مردم معترض با رژیم در جنگ بودند و آنان که از فرصت برآمده بختشان برای خودنمایی باز شده بود، همه در دفاع از حرکات هر روزه زنان و جوانان ظاهر شدند. در این هیچ ایرادی نیست چرا که تاریخ دوره های انقلابی در جهان معاصر بارها چنین اتفاقاتی را به خود دیده است. در گرماگرم روزهای پرشور اعتراضات داشتن پلاتفرم و برنامه عملی روزهای آینده نامشخص بود. نیروی به میدان آمده با سازماندهی و زیر پرچم حزب و جنبش خاصی نبودند. اما دیری نگذشت و در همان اوایل اعتراضات جمعی به عیان برای بسیاری روشن گردید که هر کسی/کسانی در کنار کدام پلاتفرم و آلترناتیو سیاسی-اجتماعی ایستاده اند. در داخل اما زمان روزهای دیدار جمعی کف خیابان پس از چندین ماه در یک موج حمله وحشیانه و کشتار جوانان به ناچار شیفت اعتراضات خود را در ریل دیگری ادامه داد. رژیم از هر ابزاری برای نجات خود دست برد از جمله حمله وحشیانه رژیم و سرکوب زنان با طرح عفاف و حجاب، جرایم سنگین بر زنان بی حجاب، تحمیل ریاضت اقتصادی و فقر و فلاکت، ترویج افکار پوسیده از منبر و مساجد بی وقفه تا به امروز ادامه دارد. از طرفی هم نسلی به پا خاسته تصمیم خود را گرفته و حاضر به بازگشت به بردگی جنسی زیر حاکمیت رژیم نیستند. بهای این تصمیم هر روز بر پیکره مبارزین کف خیابان سختتر میشد تا جایی که دیوهای زندانها هم پر از طنین اعتراضات هر روزه شدند. کل نیروی متشکل در داخل از کارگران، بازنشستگان، پرستاران، زنان و دانشجویان و جنبش مادران خاوران و جانباخته و زندانیان سیاسی زن شکل مبارزاتشان را با خواستهای اقتصادی و سیاسی در اعتراض به فاجعه فقر در جامعه و وضعیت وخیم زندانیان سیاسی به امری هر روزه تبدیل کرد که ما شاهد بیشترین اعتراضات خیابانی و علنی در دو سال گذشته بوده ایم.

اپوزیسیون در خارج کشور در چنین شرایطی بسته به جایگاه طبقاتی خود در کنار دفاع از اعتراضات مردم تلاش برای پیدا کردن راهی بسوی تسلط بر این فضای انقلابی ست. هیاهوی رژیم چنج و اصلاحات از همان روز اول دل سلطنت طلبها و جمهوری خواهان و قشری ناسیونالیست، ملی گراهایی زیر چتر شورای مدیریت و کمک بی دریغ امریکا و بخشی از دولتهای اروپایی را برده بود. آرمان قدیمی یک قرارداد "گوادلوپی" دیگر قطب نمایشان شود اما نتوانستند مبارزین کف خیابان را مرغوب کنند. هم اکنون جنگ اسرائیل و ایران و جنگ در خاورمیانه در حال حاضر را فرصتی برای خود میدادند که کم مانده یک بار دیگر چمدانها را ببندند و بر بام مجلس در تهران فرود آیند. اینکه چه احتمالاتی برای این نقشه شوم وجود دارد و آیا برنده خواهند شد موضوع بحث ما در این مطلب کوتاه نیست اما یک امر مهم میتواند کل رویای آنها را بر باد دهد و آن نقش سازمان یافته جنبشها و گروههایست که در کف خیابان به دنبال حق خود میگردند. اگر کف

جنبش مجمع عمومی را گسترش دهیم!

در میان کارگران زن و مرد میپردازیم و بیشترین خدمات را ایجاد میکنیم که زنان وسیعاً در تشکلهای کارگری جا باز کنند و به صفوف رهبری برسند. موقعیت نابرابر زنان در میان خانواده های کارگری از ساخته های نظام سرمایه داریست. ما این نظم را به هم میزنیم. ایجاد بیشترین تسهیلات اجتماعی و رفاهی و آموزشی و همتراز کردن نابرابریها در محیطهای کارگری زیر نظارت تشکلهای کارگری و با بودجه های تعیین شده از جانب دولت و کافرمانیان باید صورت گیرد. در پلاتفرم ما برای یک زندگی برابر و بهتر برای زنان اصل برپایه گذاری نهادهایست که به شوراها و مجامع همیشگی کارگران و دیگر اقشار برای هدایت یک دولت انقلابی ست که در ادامه خود مسیر بسوی سوسیالیسم را هموار میسازد. به امید همدلی بیشتر در میان نیروهای چپ و سوسیالیست و فعالین زن که بتوان پلاتفرمی را برای یک دنیای بهتر به جامعه ارائه دهیم.

۳۱ اکتبر ۲۰۲۴



پلاتفرم رهایی زن، سرنگونی رژیم و براندازی ...

اجتماعی-حقوقی-اقتصادی تضمین میکند و خطر چنین سناریویی را مانع میشود. برای این دوره آماده سازی دور دیگری از اعتراضات انقلابی و خیابانی داشتن یک پلاتفرم سیاسی در جنبش زنان از اولویتهای کار ما سوسیالیستهاست. پلاتفرمی که بیشترین و وسیعترین خواستههای طبقاتی-سیاسی-اجتماعی اقشار و گروههای اجتماعی را در بر میگیرد و ضمانت اجرایی آن به دست خود این تشکلهای مردم در ظرفی به نام شورا تعریف میشود. فاصله ای میان مبارزه سیاسی-اجتماعی امروزه زنان با مبارزات جمعی کارگران، بازنشستگان و پرستان وجود ندارد و هم سرنوشتی آنها بلامنازع است. رهایی زنان به دنبال خود رهایی کل جامعه را میآورد و ضمانت یک زندگی سالم در جامعه در زیستن زنان در یک شرایط برابر و آزاد است.

پلاتفرم مبارزه برای رهایی کامل زنان از نقد همه اشکال استثمارها و بی عدالتی های موجود در جامعه شروع میکند. قبل از هر چیز برانداختن آپارتاید جنسی در جامعه که امروز سنبل مبارزاتی برای کل جنبش زنان در سطح جهانی شده را در دستور کار دارد. حجاب و همه فرامین اسلامی باید به موزه های تاریخ سپرد که به نام بربریت عصری از توحش اسلامیها به آن نگریست. آنچه ما کمونیستها و بیشترین قشر جوان عصر حاضر از زنان و جوانان خواهان آنیم آینده ای عاری از آپارتاید در همه اشکال آن است. با آزادسازی نیروی عظیم زنان و جوانان و تلاش برای بوجود آوردن بیشترین امکانات اقتصادی و رفاهی برای زنان در عرصه اقتصادی و کارایی و آموزش، ایجاد موسسه های بهداشتی و سلامت زنان به رایگان و ایجاد دهها موسسه و تشکلهای زنان برای آگاه سازی در میان آنها یک نیروی عظیمی از زنان را برای دخالت در امورات رهبری جامعه فراهم میکند. ما نمیخواهیم زنان به عنوان "زن خانه دار" تعریف شوند و برای همیشه مورد مرمت دولتها قرار گیرند. باید کارفرمایان و دولت مسئول ایجاد بیشترین امکانات رفاهی حول خانواده ها باشند که هیچ زنی مجبور به ماندن در خانه و نظافت و بچه داری شبانه روزی گردد. ایجاد وسیعترین امکانات رفاهی برای تسهیل زندگی و کار و آموزش و تحصیل بر عهده دولت و کارفرمایان خواهد بود. ما بر عکس ناسیونالیستها رهایی زنان در کشور را موکول به زمان نامعلوم نمیکنیم. ما هرگونه توجهی را برای به عقب راندن بهبود از همین امروز تا آینده ای دور برای وضع زنان رد میکنیم. در این هیچ شکی نیست که بهبود زندگی زنان به همراه خود شکوفایی اجتماعی میآورد. ما مانند اینترسکشونالیستها و بعضی از فمینیستهای ناسیونالیست در جنبش زنان مبارزات جمعی زنان را شقه شقه نمیکنیم. ما علاقه ای به ایجاد نوع دیگری از آپارتاید در جنبش زنان نداریم و آنرا برای اعتراضات جمعی زنان مضر میدانیم. مبارزه ما سراسریست، دفاع از حق هر زنی، هر جنبشی و هر حرکتی وظیفه عاجل ماست خارج از جغرافیاهای تعریف شده. آنچه ما در پلاتفرمان برای آن مبارزه میکنیم شامل همه زنان به یکسان خواهد بود. زن کارمند رتبه بالا و زن کارگر همه میتوانند از این امکانات بهره بگیرند و بهره مندی از آزادیهای وسیع برای همه احاد جامعه رایگان خواهد بود. برعکس جامعه سرمایه داری که تضاد طبقاتی میان زنان دارا و کارگر را نهادینه کرده تا به حیات خود مشروعیت دهد ما خواهان براندازی آن هستیم. ما به آگاه سازی

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



لنین "امکان پذیری" سوسیالیسم در این عصر را تاکید می کند و عملاً دست بکار تحقق آن می شود. درک لنین از تاریخ و از نقش پراتیک انقلابی طبقات در تحول تاریخی عمیقاً مارکسیستی است. لنین برای این پراتیک جا باز می کند و آن را سازمان می دهد. می

دانم که تعبیر بعدی و عمدتاً خرده بورژوازی از اهمیت عنصر فعاله و عمل انقلابی به یک رگه ولونتاریستی، الیتیستی و توطئه گرانه در سوسیالیسم منجر شد. اما هر مطالعه ساده نظرات و عمل سیاسی لنین نشان می دهد که او از این ولونتاریسم مبراست. زیرا اولاً، عمل انقلابی برای لنین مفهومی اجتماعی و طبقاتی دارد و ثانیاً، لنین بهیچوجه از شرایط عینی و عینیات اجتماعی که دامنه پراتیک انقلابی طبقه را محدود و مشروط می کند انتزاع نمی کند.

بنظر من برای هر کس که به سوسیالیسم نه بعنوان یک ایده آل تزئینی، بلکه بعنوان یک امر عاجل و عملی نگاه می کند، برای هر کس که به تحقق عملی سوسیالیسم و انقلاب کارگری فکر می کند، لنین بعنوان یک متفکر و رهبر سیاسی همواره یک منشاء غنی آموزش و الهام خواهد بود.

منصور حکمت: مارکسیسم و جهان امروز (۵،۶،۷).
مجموعه آثار، جلد هشتم، ۱۹۹۲-۱۹۹۷. ۱۳۷۰-۱۳۷۶

منصور حکمت را بخوانید

و به دیگران معرفی کنید!

<http://hekmat.public-archive.net>
www.hekmat.com

تلویزیون پرتو
رسانه تصویری حزب کمونیست
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲
ساعات پخش به وقت ایران :
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

در باره لنین و لنینیسم

با منصور حکمت در "مارکسیسم و جهان

انترناسیونال: در مورد لنین و لنینیسم چطور؟ آیا لنینیسم نیازمند بازبینی نیست؟ آیا شما هنوز خودتان را لنینیست می دانید؟

منصور حکمت: زمانه طوری است که قبل از پاسخ به اینگونه سوالات باید بدواً مقولاتمان را تعریف کنیم. اگر بحث بر سر ارزیابی واقعی از لنین، صحت و اصالت نظرات و پراتیکش از نقطه نظر مارکسیسم، سهمش در تفکر و عمل انقلابی طبقه کارگر و نظیر اینها باشد، باید بگویم که البته من یک لنینیست هستم. بنظر من لنین یک مارکسیست اصیل با برداشتی اساساً درست از این نگرش و یک رهبر صالح جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر جهان بود.

لنینیسم بعنوان یک لقب و "زیرتیتر" متمایز کننده جناحها و گرایشها معینی در جنبش موسوم به کمونیسم تاریخچه خودش را دارد و ابداع کنندگان اولیه این لقب در دوران استالین و یا جریاناتی که در انشعابات بعدی در بستر رسمی این کمونیسم بعنوان مارکسیست لنینیست را برجسته کردند، از این عناوین درست مانند بسیاری از اصطلاحات مارکسیستی دیگر برای بیان اختلافات و منافع زمینی و عمدتاً غیر سوسیالیستی ای سود جسته اند. بنظر من اینها نه فقط سوء استفاده هایی از اعتبار لنین بوده است، بلکه لنینیسم به تعبیری که من از آن دارم کاملاً در تقابل با اینگونه "لنینیست ها" قرار می گیرد. سخن گویان بورژوا نیز به سهم خود می کوشند تا کل تجربه شوروی را بپای لنین بنویسند و آن را امتداد طبیعی خط مشی لنینی قلمداد کنند. این البته امروز بیشتر مد شده است. اینها فراموش می کنند که در روز خودش، در مقطع انقلاب اکتبر، حتی خود بورژوازی علناً به مقام لنین بعنوان یک انقلابی آزادی خواه و عدالت طلب اذعان کرده است. واقعیت این است که لنینیسم نه در افکار و اعمال احزاب حاکم بر شوروی و چین و آلبانی و نه در تجربه اجتماعی و سیاسی شوروی نمایندگی نمی شود. این احزاب و این تجربه به مسخ تمام و کمال لنین و افکار و اهداف او بنا شده اند.

لنین نماینده برشور برابری و آزادی و انسانیت بود. دیکتاتوری و بوروکراسی و سرکوب ملی و صف نان و گوشت را با هیچ توجیهی نمی شود به لنین چسباند.

از نقطه نظر اندیشه و پراتیک مارکسیستی لنین مقام برجسته ای دارد. اینگونه فرمولبندیها که لنینیسم، "مارکسیسم دوره امپریالیسم است" و غیره بنظر من پیش پا افتاده است. اهمیت لنین و سهم مشخص لنین در جنبش کمونیستی را باید در رابطه روشنی که او میان تئوری و پراتیک انقلابی برقرار می کند جستجو کرد. بنظر من لنین تجسم تمام و کمال وفاداری به تعبیر مارکس از کمونیسم بعنوان "ماتریالیسم پراتیک" است. سهم ویژه لنین، درک نقش اراده انقلابی طبقه کارگر در سیر مادی جامعه سرمایه داری و درک دامنه عمل عنصر فعاله انقلاب کارگری بر زمینه عینیات اجتماعی در هر دوره است. لنین نگرش تکاملی و انفعالی حاکم به انترناسیونال دوم را عقب راند و همان تعبیر فعالی را از کمونیسم بدست داد که مورد نظر مارکس است. اگر بخواهم بحثم را ساده کنم، سوسیالیسم قبل از لنین عمدتاً "ضروری بودن و اجتناب ناپذیری بودن" سوسیالیسم را از مارکس آموخته است.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

کمونیسست می پرسد

در مورد تحولات ترکیه و مذاکرات احتمالی با پ ک ک

عبداله دارابی و صالح سرداری



که در اساس یک خواست ابتدایی و حقوقی بورژوازی است، جایگزین آن قرار دهند.

تاریخ تا کنون نشان داده است که اجرای چنین کاری از هیچ حکومت شوونیستی بر نمی آید، ولی جبر تاریخ نشان داده است که چنین کاری ممکن و اجتناب ناپذیر است. به

شرطیکه طرف مقابل آنها یعنی احزاب ناسیونالیست کرد و جریانات متمایل به آن نیز، از سیاست دنباله روی از دول ستمگر منطقه با هدف تیولداری در بارگاه آنها دست بردارند و شرایط بوجود آمده کنونی را مغتنم شمارند و در اینمورد خاص با مردم متمدن کرد در کردستان ترکیه همراه شوند. چون اوضاع منطقه چنان خطیر است که عدول از آن برای مردم ایکه خواهان زندگی آزاد و برابر و مرفه هستند، قابل بخشش نیست.

چنانکه بالا اشاره کردم، جبر تاریخ و خطیر بودن اوضاع منطقه قابل انکار نیست، و علیرغم میل شوونیستها و ناسیونالیستها ها تغییرات قابل توجهی در راه است که یکی از آنها مساله کرد در ترکیه است اگر بدون فوت وقت بدرست رو آن فوکوس شود، میتوان زمزمه های تعدیل کنونی سیاست دولت ترکیه در قبال مساله کرد، که اینروزها برای اولین بار در این شکل عربان از زبان اردوغان جاری شده را میتوان به نفع مردم کرد در ترکیه، بکار گرفت. و بدینوسیله این جبر تاریخی دست ساز شوونیسم ترک و پ ک ک تیولدار را به نفع مردم کورد و ترک در ترکیه، رقم زد و بمشابه یک گام مثبت آنرا در جهت ایجاد یک جامعه مدنی در آینده نه چندان دور در کردستان ترکیه به آن نگاه کرد.

طبق گفتار و نوشتار های تا کنونی هر دو طرف درگیر(اردوغان و اوجلان و مقامات باغچلی و دم پارتی و...)، آمادگی و استقبال برای حل و فصل این معضل دیرینه و بسیار دشوار درخور توجه است. چون اوضاع منطقه حکایت از آن دارد که دست اندرکاران هر دو طرف دعوا باید سریع بجنبند و موانع سر راه خود را یکی پس از دیگری برطرف سازند و بدینوسیله راه را برای اجرای وعده و عید خود فراهم سازند. اگر نه پیامد های ناشی از بحران منطقه ای دیر یا زود یقه هر دوی آنها را چنان خواهد گرفت که راه برون رفت از آنرا برایشان ده چندان سخت خواهد کرد. چون عاملین اجرایی هر دو طرف به حل سیاسی این معضل پی برده اند و میدانند اگر سریع نجنبند موانع تا کنونی پیشروی آنها نه تنها حل نخواهد شد بلکه اقتدار تا کنونی هر یک از آنها را بسرعت تضعیف و منزوی خواهد کرد.

از نظر ما حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، رفع هر گونه ستم و تبعیض بلحاظ اصولی استقرار سوسیالیسم است. ولی در غیاب آن میپذیریم که مبارزه برای رفع هر گونه ستم و بیعدالتی بر مردم کرد در هر چهار بخش کردستان، حق مسلم و بی چون و چرای آنها محسوب میشود. و حق دارند زیر سلطه فاشیستی هیچیک از دولت های منطقه، و همچنین زیر بار سلطه هیچیک از احزاب ناسیونالیست و عشیرتی کرد، نروند و به آن تن در ندهند. مردم کرد حق دارند طی رفراندم های آزاد در باره جدایی و یا ماندن در چوارچوب کشور خود تصمیم بگیرند و به آن رای بدهند. حمایت و پشتیبانی ما از چنین تلاش هایی، یک امر مبارزاتی

کمونیسست: در طی دو ماه اخیر خبر مذاکرات احتمالی دولت اردوغان با مسئولین پ ک ک و مشخصا عبدالله اوجلان را شنیدیم. چه عوامل و رویدادی میتواند در احتمال شروع پروسه این مذاکرات تأثیرگذار باشد؟

عبداله دارابی: این اولین بار نیست که مذاکره بین دولت ترکیه و جریان پ ک ک، صورت میگیرد. در سال ۲۰۱۳ میلادی هم در شرایط و اوضاع و احوال دیگری مذاکره بین طرفین بوقوع پیوست ولی در نهایت به نتیجه خاصی دست نیافت و بهم خورد. ولی اینبار بخاطر شرایط بسیار حاد و بحرانی منطقه، احتمال از سرگیری مذاکرات و به فرجام رسیدن آن برای طرفین درگیر محتمل تر به نظر میآید چون اوضاع منطقه به کلی دست خوش تغییر و تحولات جدیدی است و میروند تا با تداوم جنگ بین دولت راستگرا و تروریست اسرائیل از یکسو، و تروریسم اسلامی به سرکردگی رژیم جمهوری اسلامی و محور مقاومت اش در لبنان و فلسطین، سوریه، عراق، و یمن، که خود را به مساله مردم فلسطین آویزان کرده اند، تغییرات قابل توجهی در سطح منطقه در شرف وقوع است، که در زیر به نکاتی از آن می پردازم.

عوامل مهیا کردن مذاکره بین دولت فاشیستی ترکیه، و جریان پ ک ک، از جمله اوجلان، بر سر حل و فصل کردن مساله کرد در آن کشور که به تأثیر از این رویداد منطقه ای در حال زمزمه کردن است، کم نیستند. ولی من بسهم خود فوکوس اصلی و اساسی رو جنگ تروریستی یک سال اخیر بین دولتهای دست راستی نتانیاهو و جمهوری اسلامی ایران و نیروهای محور مقاومت آن قرار میدهم که فرا تر از بقیه عوامل دیگر در این زمینه تأثیر بوده و هست و فضای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کل کشورهای منطقه و به نحوی جهان سرمایه داری را تحت تأثیر خود قرار داده و میروند تا در پس آن معادلات تا کنونی بین دولتها ها را نیز دست خوش تغییر و تحولات جدید و جدی تری قرار دهد.

به همین خاطر، اگر این روند بر همین منوال پیش برود بی تردید دولت فاشیست ترکیه و پ ک ک هم از تأثیرات و ترکشهای آن بی نصیب و بی امان باقی نخواهد ماند و باید بیدرنگ فکری بحال خود بکنند تا از قافله جا نمانند. مضافا بر آن، بحران اقتصادی موجود در ترکیه، چنان روی اقتدار حکمرانی دولت و حزب آکپارتی، تأثیر گذاشته است که در انتخابات بعدی، اردوغان قادر نخواهد بود براحتی گذشته پست ریاست جمهوری دور آتی را مجددا کسب کند. در نتیجه هم اکنون سران ریز و درشت حزب آکپارتی به این امر واقف هستند که از دست یابی به حکمرانی دور آتی انتخابات در ترکیه شکست خواهند خورد. با توجه به آن، از هم اکنون به فکر این افتاده اند که مساله آشتی بین خود و احزاب ناسیونالیست کرد ترکیه را به عنوان یک کارت برنده رو میز شان قرار دهند و بدینوسیله این غده سرطانی دیرینه شوونیست های ترک را که بر یقه خود حک کرده اند، از خود بزدایند و با جرح و تعدیل دادن آن، آشتی و همزیستی با پ ک ک و جریانات کرد مشابه آنرا تحت نام "رفع ستم بر مردم کرد در ترکیه"،



توضیح باشد. اینکه چه تغییراتی در خاورمیانه و جغرافیای سیاسی این منطقه پیش بیاید، دولت ها و احزاب و جریانات دخیل در کجای این تحولات قرار میگیرند، عاقبت جنگ دولت تروریستی اسرائیل و امریکا، با جمهوری اسلامی و نیروهای نیابتی و نتیجه آن میتواند بر بسیاری از روندها، مناسبات، دوستی ها و دشمنی ها تاثیر بگذارد.

در مورد تحولات ترکیه ...

و کمونیستی ما محسوب میشود.

کمونست: پ. ک. ک روابط خوبی با جمهوری اسلامی دارد. صلح احتمالی دولت اردوغان با این جریان چه تأثیری بر روی روابط ایران با پ. ک. ک خواهد داشت؟ آیا انفجار اخیر در انکارا میتواند مانعی برای مذاکره و طرح صلح احتمالی باشد؟

اگر خلاصه کنم منطقه به احتمال زیاد دستخوش تحولاتی خواهد شد که نمیتوان از الان در مورد آن بطور قطعی اظهار نظر کرد. رابطه پ. ک. ک و جمهوری اسلامی هم در آینده تابعی از این تغییر و تحولات خواهد بود.

در مورد بخش دوم سوال شما که آیا عملیات انتحاری پ. ک. ک در یکی از مراکز مهم نظامی و تسلیحی ترکیه میتواند بر طرح روند این بحث و مذاکره تاثیر بگذارد، من فکر میکنم اگر ترکیه واقعا بخواهد وارد مذاکره با جریان پ. ک. ک بشود چنین عملیاتی نمیتواند باعث اختلال شود. بعد از این عملیات ارتش ترکیه فوراً بشدت مناطق و پایگاههای پ. ک. ک و پ. ی. د در کردستان ترکیه را بمباران کرد و علیرغم تلفات انسانی و اقتصادی زیادی که ببار آورد همین امروز اردوغان مجدداً در مورد این پروسه حرف زد و اعلام کرد که باید این مشکل را حل کرد. همیشه در جریان مذاکره و گفتگو طرفین بخاطر بدست آوردن امتیازات بیشتر به نفع خود در حین مذاکره تند تر از همیشه علیه یکدیگر دست به خشونت زده و در پروسه مذاکره از این نوع عملیات بعنوان برگ برنده استفاده کردند، این عملیات هم از همین دست و به جهت گرفتن امتیاز در حین مذاکره و گفتگو است در نتیجه تاثیر جدی بر پروسه شروع گفتگوها نخواهد داشت. ***

زنده باد اکتبر، زنده باد انقلاب کارگری!

ای شبه مذهبی، نه شانه بالا انداختن در مقابل تفاوتی امروز با آندوران، نه تعمیم دلخواهی چهارچوبهای اجتماعی و تاریخی انقلاب روسیه به ایران امروز و یا هر کشور دیگر، نه چشم بستن به محدودیتها و کمبودهای آن انقلاب، بلکه تلاش برای تکرار اکتبر دیگری در چهارچوب مؤلفه های دنیای امروز است.

در اینروز شهامت و فداکاری جمعی و فردی بلشویکها و میلیونها کارگر سوسیالیست و کمونیست را که برای آزادی بشر تلاش کردند ارج می نهیم. در اینروز از حقانیت عمل انقلابی جنبش طبقه مان در هر گوشه کره خاکی دفاع میکنیم. در اینروز بر ضرورت عروج مجدد لنین ها و رهبران هشیار و انقلابی کمونیست طبقه کارگر تاکید داریم. بشریت امروز برای رهائی راهی جز انقلاب علیه سرمایه ندارد. جهان برای تغییر انقلابی نیازمند برپائی اکتبر دیگری است. انقلاب اکتبر الهام بخش طبقه ما برای تکرار اکتبر دیگری علیه نظام منحط سرمایه داری و برپائی یک جامعه آزاد و مرفه سوسیالیستی است.

صالح سرداری: قبل از اینکه به جواب سوال شما در مورد رابطه پ. ک. ک و جمهوری اسلامی بپردازم، اشاره بکنم در حال حاضر مذاکره میان دولت ترکیه و پ. ک. ک در کار نیست. دولت باغچلی که یکی از فاشیست های همپیمان اردوغان است هفته قبل در پارلمان ترکیه با پارلمانترهای دم پارتی که اپوزیسیون اردوغان و دولت وی هستند و از مناطق کردنشین میباشند دست داد و گفت بگذارید اوجلان اینجا بیاید و پ. ک. ک را منحل کند. همچنین اردوغان هم از این گفته باغچلی استقبال کرد.

دو هفته قبل به عمر اوجلان برادرزاده اوجلان که عضو پارلمان هم هست اجازه دادند عبدالله اوجلان را بعد از چند سال در زندان امرالی ملاقات کند. ظاهراً اوجلان قول داده که اگر آزاد شود میتواند برای ایجاد صلح و آشتی و پایان دادن به خشونت و درگیری های چندین ساله نقش مهمی ایفا کند.

هفته گذشته و بعد از علنی شدن این مباحث پ. ک. ک در آنکارا دست به عملیات انفجاری زد و دولت ترکیه هم در مقابل با بیرحمی و شقاوت همیشگی، کردستان سوریه را بمباران کرد و تلفات انسانی زیادی به این مناطق و ساکنان آن وارد کرد و همزمان مقرات و پایگاههای پ. ک. ک را هم زیر آتش گرفت. امروز هم اردوغان اعلام کرد تلاش ها را برای حل این مشکل وخاتمه دادن به آن ادامه خواهند داد.

اگر این پروژه ادامه داشته باشد و وارد مذاکره بشوند و به نتیجه برسند که از نظر من بعید بنظر میرسد آنوقت میشود به مناسبات جمهوری اسلامی و پ. ک. ک پرداخت. همانطوریکه شما هم به آن اشاره کردید جمهوری اسلامی و پ. ک. ک مناسبات نزدیکی باهم دارند. جمهوری اسلامی به اعضا و کادرهای پ. ک. ک اجازه داده که به شهرهای ایران رفت و آمد کنند. زخمیها و مجروحین این جریان در بیمارستانهای ایران مداوا میشوند. از جمهوری اسلامی در مواردی دفاع کردند. در سوم اسفند چندین سال پیش علیه دستگیری عبدالله اوجلان که طی یک توطئه بین المللی دستگیر و به ترکیه برگردانده شد جوانان شهرهای مختلف کردستان از جمله سنندج تظاهراتی علیه دستگیری وی برگزار شد. پ. ک. ک رسماً از تلویزیون رسمی خود علیه این اعتراضات و جوانان معترض به این مسئله اعلامیه صادر کرد و آنان را عامل امپریالیسم خواند. پژاک که شاخه ایرانی پ. ک. ک میباشد از سال ۲۰۱۱ با جمهوری اسلامی اعلام آتش بس کرده. مناسبات پ. ک. ک با جمهوری اسلامی در دل تغییر و تحولاتی که احتمالاً در خاورمیانه رخ میدهد می تواند قابل

زنده باد برابری زن و مرد!



بشر امروزند. معلوم شد دمکراسی و صدور آن به جهان سوم تنها با موشک کروز و تروریسم هوایی و نابودی کل یک جامعه ممکن است. معلوم شد تحفه های دمکراسی "نظم نوینی" چیزی بیشتر از نیروهای پس مانده تاریخ و انواع ارتجاع قرون وسطایی، که تنها در چنین اوضاع درهم ریخته ای میتوانند به مردم تحمیل شوند، نیست.

شکست راست افراطی و جلو آمدن جناح مرکز با وعده های پوچ و تداوم همان پلاتفرم فقر و فاقه، تنها بیانگر این حقیقت بود که سرمایه داری به انحطاط خود رسیده است. مستقل از اینکه چه کسی و چه جناحی از طبقه حاکم سرکار است و چه وعده ای میدهد، سرمایه داری برای خروج از بحران تنها یک راه دارد و آن کوبیدن طبقه کارگر و به این اعتبار نابودی کل لنگر انسانی و حقوق و حرمت در جامعه و سازماندهی یک بردگی تمام عیار است. به همین اعتبار است که بار دیگر مارکس با کمال احترام به صحنه وارد میشود و اعتبار نقد مارکسی به دنیای موجود بیش از هر زمان حقانیت پیدا میکند. به دلیل این کارنامه سیاه و گندابی که سرمایه داری در چهار گوشه جهان بپا کرده است، و همینطور اثبات عملی و عینی سراب بودن وعده های دمکراسی و بورژوازی برای "آزادی" است که کل زرادخانه تبلیغات ضد کمونیستی بی ارزش و پوچ میشود. اما اینها هنوز از تک و تا نیافتاده اند. از ژوکرهای سیاست و کسانی که نقش شان فقط اینست مثل دلانان برای سرمایه و انتخابات های مسخره اش بازار گرمی کنند تا متوهمان و نوکران این بارگاه که آرزوی کسی شدن در نهاد سیاسی و اداری بورژوازی را در سر میپرووراند، هنوز بدون تهاجم به کمونیسم نمیتوانند خود را تبئین کنند. هنوز حمله به انقلابیگری و رهبران کمونیست و انقلابی یک شغل نان و آب دار برای بسیاری و یک شاخص مهم تعلق به اردوی وسیعتر راست است. و این برای هزارمین بار اثبات میکند که مادام که سرمایه داری برجاست و مادام که قرار است سرمایه روی دوش بردگی کارگر ارتزاق کند، و مادام که خطر بالقوه یک انقلاب کارگری وجود دارد، آنوقت یک حزب جهانی اعلام نشده آنتی کمونیستی وجود دارد که شغل ناشریف آن تولید دروغ و اشاعه خرافه است. این صنعت مانند هر صنعت دیگر برای بورژوازی و تداوم حاکمیت و قلداری سرمایه و کوبیدن کارگر مهم است و در کنار نهاد مذهب نقش مهمی را در بقای وضع موجود ایفا میکند.

کمونیس‌م کارگری

اعتبار و حقانیت انتقاد مارکسیستی اما مادام که به پرچم سیاسی طبقه کارگر تبدیل نشود سرمایه داری از جایش تکان نمیخورد. اگر با فروپاشی سرمایه داری دولتی شوروی و بلوک شرق و سوسیال دمکراسی در کشورهای غربی این نوع سوسیالیسم بورژوائی بیپایان رسید و بی اعتبار شد، با بن بست و شکست افقهای راست پیروز در خود کشورهای غربی امکان بازگشت به جناح چپ و مرکز و چهارچوبهای اقتصاد نیمه دولتی و کینزی وجود ندارد. این جنبشها منشا هر نوع بسیج نیرو در دوره بی افقی و فقدان آلترناتیو برای نیروهای طبقه حاکم شوند، اما نمیتوانند منشا بسیج طبقه کارگر برای و تحت نام سوسیالیسم باشند.

امروز بیش از هر زمان کمونیسم بعنوان جنبش

زنده باد اکتبر، زنده باد انقلاب کارگری!

سیاوش دانشور

دنیای امروز در کنار انقلابات تکنولوژیک و انفورماتیک در عین حال دنیای عقبگردهای وسیع است. در جهانی که غرق ثروت است بیش از یک میلیارد نفر گرسنه اند و تعداد بسیار بیشتری از بشریت کارگر به اوج بیحرمتی و بیحقوقی رانده شده اند. رشد توان علمی و تکنولوژیکی و قدرت تولیدی و خلاقیت بشر، که علی القاعده و با هر منطق ساده ای باید به رشد رفاه و تعالی و آزادی عمل انسانها ترجمه شود، در مناسبات سرمایه داری به ابزار انقیاد سیاسی و اقتصادی و واپسگرایی فکری و فرهنگی تبدیل شده است. آنچه در قبال چشمان ما رژه میروند، اعم از جنگ و تروریسم و فعال مایشائی مشتی اقلیت زورگویی بورژوا و دولتها و سخنگویانشان، اگر یک وجه آن تداوم مناسبات استثمار و قانون بردگی مزدی است اما وجه دیگر آن مدیون شکست انقلاب اکتبر و پسرفت جنبشی است که برای دهه های متمادی در بخش اعظم جهان به بورژوازی افسار زده بود.

سرمایه داری بدون جنگ، بدون توسعه طلبی امپریالیستی، بدون اعمال تبعیض و ایجاد تفرقه در اردوی بشریت کارگر، بدون استفاده از نهاد مذهب، بدون اتکا به پلیس و نیروی سرکوب و بوروکراسی هیچوقت معنی نداشته است. اما چند دهه اخیر و بویژه روندی که با سالهای دهه هشتاد شروع شد، روندی که مشخصه اش تعرض راست افراطی در قلمرو سیاست و اقتصاد و فرهنگ و ایدئولوژی به هر دستاورد و ته مانده جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر بود، چهره جهان را تماما دگرگون کرد. بازار آزاد افسار گسیخت، هر نوع حق و امنیت اجتماعی پوچ اعلام شد، سرمایه و سود حرف اول و آخر هر بورژوائی شد و جنگی تمام عیار علیه طبقه کارگر و آرمانهای شریف سوسیالیستی و کمونیستی کارگری شروع شد. دنیا به محل تاخت و تاز تروریسم عنان گسیخته زیر پرچم دمکراسی تبدیل شد و کرور کرور انسان بیدفاع قربانی سرمایه شد. آنها که توانسته بودند در جنگ درون طبقاتی دو بلوک سرمایه داری شرق و غرب پیروز شوند، در ادامه تلاش کردند برای همیشه کارگر و آرمان کارگری تغییر انقلابی جهان را زیر آوار دیوار برلین مدفون کنند و عقربه ساعت جهان را به قرون وسطی برگردانند. و یادمان هست که چگونه نان به نرخ روز خورهای سیاست رو به قبله تاجریسم و ریگانیسم و بازار آزاد بخت شدند، در دانشگاهها و هر تریبونی به کمونیسم و آرمان کارگری لیچار گفتند، و حتی ساده ترین اصول لیبرالیسم و مدرنیسم را با ترهات پست مدرنیسم زیر پا له کردند.

این دوره اگر از نظر سیاسی بعد از چند سال به ته رسید اما از نظر اقتصادی به یمن بازارهای تازه فتح شده بلوک شرق سابق و تهاجم به طبقه کارگر دوره طولانی تری نیاز داشت که به بن بست و بحران برسد. راست افراطی در متن تسلیم و شکست سرمایه داری دولتی در شرق و کینزگرایان سوسیال دمکرات در غرب، و مهمتر روی دوش تهاجم به سازمانهای کارگری و عاشورای ضد کمونیستی "پایان تاریخ"، هنوز نمیتوانست سود سرمایه را تامین کند. اما با بحران اقتصادی جهانی که بارقه های آن از سال ۲۰۰۷ شروع شد جشن راست افراطی بازار هم بیپایان رسید. معلوم شد بورژوازی "پیروز" و شکست خورده حرفی برای زدن ندارند. معلوم شد که چگونه حتی در اوج فلاکت عمومی صدها میلیارد دلار از جیب کارگران خالی و به جیب سرمایه داران و بانکداران و سیستمی واریز میشود که خود مسبب تمام مشقات



زنده باد اکتبر، زنده باد انقلاب کارگری...

سیاسی طبقه کارگر تنها میتواند بر پرچم انتقاد زیر و رو کننده مارکس و منصور حکمت برای تغییر جهان متکی شود. امروز بیش از هر زمان کمونیسم تنها بعنوان کمونیسم کارگری، کمونیسم خود طبقه کارگر که افق نابودی و واژگونی سرمایه داری و برقراری نظامی برتر و متکی بر رفع نیازهای انسانها را هدف خود قرار داده است، میتواند موضوعیت داشته باشد. این کمونیسم نه برای تفسیر فلسفی جهان، نه برای تحبیب بخشی از بورژوازی، نه برای اهداف قسمتی و دمکراتیک و ناسیونالیستی، نه برای برپائی سرمایه داری دولتی تحت عنوان سوسیالیسم، نه برای زرفرم در بازار و مقید کردن مجدد آن به قوانین، نه برای کنترل بانکداران و سفته بازان، نه برای آزادی و استیفای حقوق این و آن "ملت" و "خلق" و "قوم"، نه برای اثبات برتری "نژاد کارگر" و یا هر نوع "برتری جوئی" سیاسی و "ایدئولوژیک"، بلکه امرش تغییر جهان و آزادی کل جامعه است. کمونیسم مارکسی، کمونیسم کارگری، کمونیسم پراتیک، جنبش واقعی و عینی و انقلابی طبقه کارگر برای نفی وضع موجود است. این کمونیسم نیازمند حزب سیاسی طبقه کارگر، حزب کمونیستی کارگری است که در هر کشور بطور عینی قادر باشد سوسیالیسم را بعنوان یک آلترناتیو سیاسی ممکن و مطلوب در مقابل کل جامعه بگذارد. آلترناتیوی قدرتمند که قادر باشد کل حاکمیت طبقه بورژوازی را همراه با دستگاه سرکوب و بوروکراسی و قوانین تبعیض گرش بزیر بکشد و افق یک دنیای بهتر را به روی بشریت بگشاید.

اکتبر و لنینی دیگر لازم است

انقلاب کارگری اکتبر علیرغم شکست آن در مرحله تعیین کننده، یعنی اجرای فرمان اقتصادی انقلاب سوسیالیستی، علیرغم کمبودها و محدودیتهای حزب بلشویک، علیرغم تبلیغات زهرآگینی که بیش از هشتاد سال علیه اش صورت گرفت و هنوز ادامه دارد، مهمترین واقعه قرن بیستم بود. این انقلاب جنبش طبقه ما برای تغییر جهان بود و همه افتخارات و محدودیتهای کمبودهایش هم برعهده طبقه و جنبش ماست. این انقلاب حقانیت داشت و باید در سالروز اکتبر قبل از هر چیز بر حقانیت عمل انقلابی و دورخیز کارگر برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی تاکید کرد. این انقلاب و رگه لنینی حزب بلشویک، در تقابل با سنت رایج و مسلط اندروان یعنی سنت دترمینستی احزاب انترناسیونال دوم که بر عمده رهبران حزب بلشویک نیز تسلط داشت، بر نقش اراده انقلابی و سیاست و پراتیک انقلابی و امکانپذیری سوسیالیسم و اثبات آن تاکید میکند. تزهایی آوریل لنین فقط یک مجموعه عقاید و تبئین سیاسی و تاکتیک انقلابی نبود بلکه یک خط مشی سیاسی و یک متدولوژی ماتریالیستی - پراتیکی و یک شم سیاسی تیز و یک درک موقعیت و قاپیدن فرصت هم بود. امری که هر حزب قدرتمند کمونیستی بدون آن میتواند شکست را برای همیشه از آن خود کند. لنین برخلاف خزعبلاتی که عده ای راجع به او میگویند، اعم از بورژواهایی که انقلاب اکتبر را "کودتا" نام میگذارند تا شبه سوسیالیستهایی که از موضع دمکراسی بورژوائی و در بهترین حالت انقلاب را کار اکثریت طبقه کارگر میدانند، با توسل به اقلیتی با نفوذ از طبقه کارگر قیام کارگری را سازمان داد و پیروز شد. در تابستان ۱۹۱۷ و در ماههای ژوئن و ژوئیه در شوراها از میان ۸۰۰ نماینده تنها ۱۰۵ نفرشان بلشویک بود. بقیه "اس آر" و منشویک بودند و کمتر از یکماه قبل از

قیام اکتبر، آنهم طی یک واقعه سیاسی یعنی شکست کودتای ژنرال کرنیلوف، بلشویکها تنها در دو شورای مسکو و پتروگراد اکثریت پیدا کرده بودند. حزب بلشویک حزبی کارگری بود اما نه اکثریت طبقه کارگر روسیه و نه اکثریت مردم را در آنزمان و قبل از قیام اکتبر با خود نداشت. اما این مسئله باعث نشد که لنین از موضع دمکراسی شرایطی که امکان گرفتن قدرت هست را نبیند، و قدرت را به اقلیت زورگو بورژوا متشکل در دولت کرنسکی واگذار کند. اقدام لنین شرط اکثریت شدن بلشویسم بود. کسانی که مخالف بحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه منصور حکمت هستند، در واقع مخالف سیاست لنین هستند.

بدون انقلاب اکتبر مهمترین واقعه قرن بیستم رقم نمیشود. بدون انقلاب اکتبر الگوی آزادی طبقه کارگر و الگوی قیام بلشویکی در طول قرن بیست به پرچم آزادی در جهان تبدیل نمیشد. بدون انقلاب اکتبر بسیاری از تغییرات و زرفرمها در قلمروهای مختلف به بورژوازی تحمیل نمیشد. بدون انقلاب اکتبر موازنه فکری و سیاسی - ایدئولوژیکی جهان به سمت چپ بطور کلی نمیچرخید. بدون انقلاب اکتبر ضرورتی برسر کار آمدن طیفی از دولتهای رفاه در خود اروپای غربی که یک هدف آن جلوگیری از تکرار الگوی اکتبر بود ضروری نمیشد. بدون انقلاب اکتبر طیف متنوع جنبشهای ناسیونالیستی، صنعت گرا، استقلال طلب، دمکرات و رفرمیست، و انواع افسران کودتاچی خود را "سوسیالیست" نمیخواندند. انقلاب اکتبر جنبش سوسیالیستی بین المللی را در موقعیت جدید و هژمونیکی قرار داد و عقاید سوسیالیستی را به "مد روز" تبدیل کرد و سوسیالیست بودن برای بسیاری منشأ افتخار شد. این جنبشهای غیر سوسیالیستی با شکست و فروپاشی شوروی، و حتی از اواخر دهه هفتاد، دیگر خود را سوسیالیست نمی نامیدند بلکه به دمکراسی چرخیدند. چون دمکراسی خواهی دست بالا پیدا کرده بود و "مد روز" بود. امروز و در شرایطی که سرمایه داری جهان را به گند کشیده و میلیاردها نفر را به گرسنگی و بیکاری و فقر و سرکوب و زندگی تحت تروریسم محکوم کرده است، بیش از هر زمان جهان نیازمند نیازمند اکتبر دیگری است. امروز بیش از هر زمان جهان نیازمند احزاب کمونیستی کارگری و رهبرانی چون لنین است. احزابی که تجربه و محدودیتهای فکری و سیاسی و عملی این انقلاب و کل جنبش موسوم به سوسیالیسم قرن بیستم را جمعبندی کرده، احزابی که سوالات امروز و مؤلفه های دنیای امروز را میشناسند، کمبودهای انقلاب اکتبر را میشناسند و از تکرار آن اجتناب و برای اکتبر دیگری تلاش میکنند.

برای ما کمونیستهای کارگری سالروز انقلاب اکتبر و نگاهی به تاریخ و مسائل آن انقلاب نه یک برخورد نستالژیک و یادواره

پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع دچار تغییراتی شده است، و در نهایت بازگشت به کار یکی از نمایندگان کارگری است.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری زاهدان

سه‌شنبه ۸ آبان ماه ۱۴۰۳، کارگران شهرداری زاهدان بدلیل عدم پرداخت شش ماهه حقوق معوقه خود در مقابل استانداری استان سیستان و بلوچستان تجمع اعتراضی کرده و خواستار پرداخت معوقات خود شدند.

اجتماع اعتراضی کارگران شهرداری ایلام

شماری از کارگران شهرداری ایلام به همین دلیل سه‌شنبه ۸ آبان در مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. آن‌ها از وضعیت معیشتی خود ناراضی هستند و می‌گویند پس از سال‌ها خدمت در شهرداری ایلام از پرداخت به موقع حقوق خود محروم هستند. و اکنون چهار ماه دستمزد معوقه دارند. می‌گویند؛ ما از زمان شروع به کارمان هر ماه حقوق خود را با تأخیر چند ماهه دریافت کرده‌ایم. به همین دلیل دریافت حقوق به موقع برایمان به یک آرزوی دست نیافتنی تبدیل شده است. در شهرداری ایلام بخشی از کارگران مستقیماً با شهرداری قرارداد دارند و شمار دیگری کارگر پیمانکاری هستند اما همگی آنها مشکل مشابه دارند. کارگران شهرداری ایلام بارها تجمع اعتراضی برگزار کرده اما مسئولین نسبت به این وضعیت با بی تفاوتی برخورد کرده اند.

ناراضی کارگران شهرداری آبدانان

روز یکشنبه ۶ آبانماه ۱۴۰۳ کارگران شهرداری آبدانان در استان ایلام، در اعتراض به عدم دریافت پنج ماه دستمزدهای معوقه و بیتوجهی مسئولین به طلب کارگران اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند. تاکنون کارگران تجمعات مکرر مقابل نهادهای مختلف دولتی برگزار کرده اند اما پاسخی نگرفته اند و زیر فشار واقعی برای تامین هزینه های زندگی هستند.

هفت ماه دستمزد معوق کارگران فضای سبز چابهار

براساس گزارش پخش شده در روز جمعه ۴ آبانماه، عده ای از کارگران فضای سبز شهری منطقه آزاد چابهار بمدت هفت ماه از فروردین ماه سال ۱۴۰۳ تاکنون، حقوق کامل و حق بیمه و وجه خرید لباس کار از جمله دستکش و پاپوش را، دریافت نکرده اند.

بیکاری دهها کارگر گیتهای آزاد راه قزوین به رشت

نزدیک به ۳۰ نفر از کارگران گیت های اخذ عوارض آزاد راه قزوین به رشت که سالها تحت مسئولیت اداره کل راهداری و حمل و نقل جادهای استان و بانک تجارت مشغول کار بوده اند، اخیراً با اجرای طرح الکترونیکی شدن اخذ عوارض آزاد راهی، بیکار شده و در بلا تکلیفی به سر میبرند. این کارگران هفته گذشته در اعتراض به وضعیت نامعلوم شغلی خود مقابل ساختمان استانداری گیلان تجمع کردند.

تجمع اعتراضی پرستاران و کادر درمان شوشتر

روز شنبه ۵ آبانماه، عده ای از پرستاران و کادر درمانی بیمارستانهای شوشتر مقابل ساختمان فرمانداری، در اعتراض به تعرفه های ناعادلانه و اضافه کار اجباری تجمع کرده و خواستار

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

کارگران پیمانکاری ارکان ثالث شرکت ملی حفاری نفت

”نه حق تشکل و اعتراض داریم، نه توجهی به حقوق صنفی ما میشود!“

کارگران پیمانکاری ارکان ثالث برای رفع تبعیض در دستمزد کارگران رسمی و پیمانکار در معادن، پروژه های نفت و گاز و پالایشگاهها و خدمات عمومی در سالهای اخیر بارها دست به اعتراضات گسترده و طولانی زده اند. کارگران تاکید کرده اند اعتراض ما این است که چرا در شرایطی که نوع کار، حجم کار، ساعت کار و حتی میزان بهره وری ما و کارگران رسمی و قراردادی یکسان است، حقوق پرداختی به ما، آنهم با یک اختلاف بسیار فاحش کمتر است؟ کارگر رسمی ۵۰ میلیون تومان و کارگر قراردادی ۴۰ میلیون تومان دریافت میکنند، در حالیکه دستمزد کارگر پیمانکاری ۳۰ میلیون تومان است. همچنین کارگر رسمی یا قراردادی از امتیازهایی مانند مکانهای ورزشی رایگان، مراکز تفریحی و رفاهی رایگان، رستوران رایگان، بن کارت، نفت کارت، دریافت عیدی و وام ۳۰۰ میلیون تومانی برخوردارند اما کارگران پیمانکاری از این مزایا بهره ای نمی برند. شمار کارگران پیمانکاری شرکت ملی نفت ایران حدود ۱۰۵ هزار نفر است که از این تعداد، حدود ۱۰ هزار نفر به عنوان کارگران پیمانکاری- ارکان ثالث- مشغول به کار هستند. پیمانکاری ارکان ثالث، به این معناست که کارفرمای اصلی با یک پیمانکار قراردادی منعقد کرده و این پیمانکار که حساب مشترک با کارفرما دارد، ۱۰ هزار کارگر شرکت ملی حفاری را به کار گرفته و به موازات پرداخت دستمزد به کارگران تحت استخدام خود، از همان حساب مشترک با کارفرمای اصلی هم سود برداشت میکند. شرکت مادر در خوزستان مستقر است اما این کارگران در مناطق مختلف ایران کار میکنند.

اعتراض کارگران پیمانکاری پالایشگاه سوم پارس جنوبی به حراست

روز چهارشنبه ۹ آبانماه یک روز پس از تجمع کارگران پیمانکاری پارس جنوبی، حراست پالایشگاه سوم کارت تردد چهار نفر از کارگران حاضر در تجمع را ضبط نمود و به آنان اجازه ورود به پالایشگاه را نداد. پس از آنکه نمایندگان کارگران برای حل مشکل به حراست مراجعه کردند و با برخورد نامناسب به بیرون هدایت شدند، کارگران پیمانکاری مقابل ساختمان حراست تجمع اعتراضی برگزار کردند در نتیجه کارتهای کارت تردد کارگران را تحویل گرفتند و سر کار برگشتند.

سیزدهمین هفته اعتراض کارگران پیمانکاری پارس جنوبی

کارگران در اعتراض به عدم پیگیری مسئولین مجتمع در اجرای خواسته‌هایشان تجمع و خواستار پیگیری و عمل کردن به توافقات قبلی شدند. مهم‌ترین خواسته‌های کارگران عبارتند از: اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام پرداخت عادلانه و همتراز با نیروهای رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری و ساماندهی تردد و ایجاد امنیت شغلی برای آنان؛ اجرای بدون تبعیض تردد ۱۴ روز کار ۱۴ روز استراحت برای نیروهای اداری و پیگیری و عمل کردن به توافقات قبلی از جمله موضوع مرخصی استحقاقی و

اعدام قتل عمد دولتی است!

اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات ...

شدند که؛ برای هر ۱۵۰ ساعت اضافه کار باید یک حقوق کامل به پرستاران پرداخت شود. در ماهها و سالهای اخیر پرستاران در بسیاری از مراکز درمانی در اعتراض به پایین بودن حقوق و مشکلات کاری خود بارها تجمع کرده اند اما مقامات دولتی همچنان به مطالبات این معترضان توجهی نکردهاند. و خوستار رسیدگی به مطالباتش شدند.

ناراضی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی آزاد تبریز و مشهد

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد تبریز و مشهد روز شنبه ۵ آبانماه در اعتراض به افزایش سه برابری شهریه مقابل دانشگاه علوم پزشکی شهرهای مذکور اقدام به برگزاری تجمع کردند. به گفته معترضان- شهریه رشته های پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی در سال تحصیلی جاری نسبت به سال گذشته بیش از سه برابر افزایش یافته و برای هرنیم سال از ۳۰ میلیون تومان، به ۹۰ میلیون تومان و در مجموع سالی ۱۸۰ میلیون تومان رسیده است. سخنگوی دانشگاه آزاد در تقابل اعتراض دانشجویان، اعلام کرد که افزایش شهریه قانونی است و مصوبه هیات امنای این دانشگاه است.

ادامه تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه علوم اجتماعی تهران

شمار گسترده ای از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران روز یکشنبه ۶ آبانماه در اعتراض به تجاری سازی فضاهای دانشجویی، تفکیک جنسیتی و برگزاری نمایش سلبریتی محور باهدف سیاست زدایی از دانشگاه برای چندمین روز متوالی تجمع کردند. نیروهای حراست دانشگاه مانع قرائت بیانیه تجمع شدند. دانشجویان با سردادن شعارهای: ”زن، زندگی، آزادی و نه پادگان، نه بنگاه، درود بردانشگاه“ اعتراض کردند. سازمان شوراهای صنفی دانشجویان کشور تشکیلات صنفی در کانال تلگرام خود هشدار داده که جان و امنیت دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در خطر است و شماری از دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و برخی از اساتید در دانشگاه به دست نیروهای امنیتی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند.

گردهمایی اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی

روز یکشنبه ۶ آبانماه، جمعی از بازنشستگان تأمین اجتماعی کرمانشاه و اهواز مجدداً در اعتراض به عدم تحقق خواسته هایشان مقابل سازمان تأمین اجتماعی شهرهای خود تجمع برگزار کردند. گروههایی از بازنشستگان وزارت آموزش و پرورش بهبهان روز یکشنبه ۶ آبانماه در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته ها و مشکلات خود، مقابل ساختمان این وزارتخانه دست به تجمع زدند. بازنشستگان همانند تجمعات گذشته، خواستار ”اجرای صحیح مواد ۹۶ و ۱۱۱ قانون تأمین اجتماعی، ترمیم مستمری های خود، بهبود شرایط معیشتی، ارائه خدمات درمانی رایگان و پرداخت بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی“ شدند. از دیگر مطالبات آنها افزایش مستمری ها براساس هزینه های زندگی و مطابق موازین قانونی و همسانسازی کامل حقوقها است.

اعتصاب و تجمع رانندگان کامیون شرکت سیمان تیس در چابهار

شماری از رانندگان کامیونهای شرکت سیمان تیس در چابهار، روز شنبه ۵ آبانماه در پی کاهش سهمیه تولید و چندین روز انتظار برای بار زدن سیمان، در مقابل درب ورودی این کارخانه اعتصاب کردند.

مسئولان شرکت سیمان تیس اقدام به کاهش سهمیه سیمان به اندازه پانصد تن در روز برای خودروها کرده اند که منجر به بارگیری حدوداً یک و نیم ساعته هر خودرو شده و با این رویه فقط حدود ده تا پانزده خودرو در روز بارگیری میشود و بقیه خودروها چندین روز و هفته ممکن است در صف خرید بمانند. مسئولان شرکت به رانندگان فشار آورده اند در ازای کرایه ناچیز ۲۵۰ هزار تومانی برای انتقال بار به یک کشتی در بندر چابهار بارگیری کنند که رانندگان حاضر به انتقال اجباری این بار با کرایه مشخص شده نیستند.

اعتراض کارگزاران مخابرات روستایی در سقز

روز چهارشنبه ۹ آبانماه کارگزاران مخابرات روستایی شهرستان سقز در استان کردستان در رابطه با عدم دریافت حقوق مهرماه اعتراض کردند. معترضان تاکید کردند که در ماههای اخیر حقوق آنان همیشه با تاخیر پرداخت شده است و خواهان رفع پیگیری این مشکل از طرف مسئولین مربوطه شدند. ”کارگزاران روستایی مخابرات“، مسئولیت امور دفاتر مخابراتی را در روستاهای کشور از جمله دایر کردن انشعاب، تعمیرات خطوط، سرویس و نگهداری سیستم ها و تمام امور مربوط به شبکه مخابرات مستقر در روستاها را بر عهده دارند.

اعدام و دستگیری و زندان

بر اساس اخبار و آمار در شش ماه اول سال جاری ۱۴۰۳- ۳۷۰ نفر اعدام شده اند. همچنان در مهر ماه ۱۷ نفر و ۱۰ روز اول آبان ماه حدوداً ۱۹ نفر در ایران اعدام شده اند. عده زیادی در شهرهای بوکان، مهاباد، مریوان دستگیر و بازداشت شده اند و عده زیادی از فعالین معترضین خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ که اکثراً زن هستند از شهر بوکان - ده ماه الی یکسال زندان را بر آنان تحمیل کرده اند.

گرامیداشت دومین سالگرد جانباختن سارینا ساعدی در سنندج

خانواده جانباختگان خیزش انقلابی روز دوشنبه ۷ آبان ماه، بر سر مزار سارینا ساعدی در دومین سالگرد قتل حکومتی او تجمع کردند و یادش را گرامی داشتند. سارینا ساعدی ۱۶ ساله، اهل سنندج در جریان اعتراضات مردمی این شهر بر اثر ضرب و جرح نیروهای سرکوبگر رژیم با باتوم به ناحیه سر دچار خونریزی مغزی گردید و پس از یک روز بستری شدن در بیمارستان توحید سنندج در مورخه ۵ آبانماه ۱۴۰۱ جان باخت. پیکر سارینا با حضور نیروهای امنیتی در آرامستان سنندج به خاک سپرده شد. همزمان خانواده اش را تحت فشار شدید قرار دادند و ملزم نمودند مرگ سارینا را تحت عنوان ”خودکشی“ اعلام و از مصاحبه با رسانهها خوداری کنند.

حمله نظامی هماهنگ شده، ...

است. موضوع این یا آن نیست، مسئله روند جاری و عدم مطلوبیت جنگ تمام عیار برای بخشهای مهمی از بورژوازی است.

سیاست سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور کار روز آمریکا و دول غربی و اسرائیل نیست، سیاست آنها مهار رژیم ایران و تحمیل توازن قوای جدیدی به جنبش اسلام سیاسی در منطقه است. به این اعتبار و تا اطلاع ثانوی و شرایطی که واقعا جنگ برای همه رقبای جهانی و منطقه ای ضروری شده باشد، حتماً با درگیری های جبهه ای و متفرقه روبرو خواهیم بود اما فعلاً ورود به جنگی تمام عیار با پیامدهای وحشتناک در منطقه موضوعیت ندارد.

۳۰ اکتبر ۲۰۲۴

ستون آخر،

حمله نظامی هماهنگ شده،

دیرشن اپوزیسیون راست

سیاوش دانشور

در بیانیه پلنوم ۴۹ حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از جمله تاکید کرده بودیم؛ "حمله نظامی ارتش اسرائیل به مراکز در ایران قریب الوقوع است"، بامداد شنبه ۵ آبان ۱۴۰۳، این حمله در سه مرحله صورت گرفت. ارتش اسرائیل می‌گوید به ده‌ها هدف در چندین موج و در نقاط مختلف ایران حمله کرده است و بر اثر این حملات "زیرساخت‌های نظامی، از جمله توانایی‌های دفاع هوایی و موشک‌های بالستیک" رژیم ایران آسیب دیده است. رسانه‌های رژیم اسلامی ابتدا منکر هر حمله‌ای شدند. تا ساعت ۵ صبح ایران، چند استاد دانشگاه طرفدار رژیم که با تلویزیون الجزیره گفتگو میکردند، از هر حمله‌ای اظهار بی‌اطلاعی کردند. نهایتاً رسانه‌های رژیم از عملیات پدافند و بالاخره کشته شدن چهار ارتشی و خسارات جزئی‌تری حرف زدند. اظهارات رسمی تر بعدی سران رژیم دال بر کوچک نشان دادن موضوع و عدم نیاز به واکنش بود. این اظهارات و دامنه محدود حمله و هماهنگی صورت گرفته، بیشتر بر موفقیت سیکل دیپلماتیک در کنار رجزخوانی جنگی دلالت دارد.

این حمله‌ای بود که از قبل به رژیم ایران اطلاع داده شده بود و طرفین از دامنه و چهارچوب آن خبر داشتند. بیرون روند بند و بست و دیپلماسی، عده‌ای تمام امید و آرزویشان را به این حمله گره زده بودند و این توهم را دامن میزدند که قرار است حمله نظامی اسرائیل مقدمه‌ای برای سرنگونی رژیم اسلامی باشد. برخی مانند سلطنت طلبان و هواداران حمله نظامی که برای "بی بی



جون" هورا می‌کشیدند و در سیمای نتانیاهو "سردار آزادی خاورمیانه" دیده بودند، همینطور فرصت طلبانی شبه چپی که در باد میلیتاریسم و تروریسم دولتی موج سواری می‌کردند و سر از پا نمی‌شناختند، بدجوری دیررس شدند.

توکل سیاسی این بخش به ماشین جنگی و "بمب‌های آزادیبخش"، آنهم با توجیه "مبارزه با جمهوری اسلامی"، تصویر پشت سکه محافل مرتجع و دست راستی محور مقاومتی و کسانی است که با توجیه "مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم"، یا در رکاب نظام شمشیر میزنند و یا با "فرعی کردن مبارزه با رژیم و مقابله با جنگ و امپریالیسم" تاکید دارند؛ هر دو، با ادله‌ها و درک منافع مشخص خود، جانب یکی از جنگ طلبان و ارتجاع سیاسی و مذهبی سرمایه‌ایستاده اند.

بموازات بند و بست با رژیم جمهوری اسلامی، در عراق و سوریه نیز تقابل با موثلفین جمهوری اسلامی برای تحمیل تغییراتی تشدید شده است. بازگرداندن دولت بشار اسد به چهارچوب کشورهای عربی و بازگرداندن نیروهای جمهوری اسلامی در سوریه و تعیین تکلیف با حشد الشعبی در چهارچوب نیروهای نظامی و دولت عراق، باافاضه تحولاتی در کردستان عراق از اجزای این روند است. در حال حاضر، امکان یک جنگ گسترده تر وجود ندارد و یکی دو مورد موشک پرانی اجباری آتی، مشخصه روند گسترش جنگ نیست، برعکس رسیدن به نقطه سازشی جدید است. تاکید این جنبه ضروری است که در سیاست خاورمیانه هر بند و بست و سازش نیروهای ارتجاعی با اعمال فشار اقتصادی و دیپلماتیک و نظامی همراه است

صفحه ۱۴

آدرسهای تماس با حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی

پروین کابلی

daftaremarkzy@gmail.com

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

siavash_d@yahoo.com

دبیر اجرایی

سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

moradi.naser@gmail.com

دبیر کمیته سازمانده

ملکه عزتی

hosienzade.r@gmail.com

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

sale.sardari@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

saeed_arman2002@yahoo.co.uk

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

saidyegane@gmail.com

هیئت تحریریه: سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، ملکه عزتی، پروین کابلی، ناصر مرادی، هلاله طاهری، سیوان کریمی

اگر برای کمونیست مقاله میفرستید:

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. کمونیست هفتگی تنها مقالاتی را منتشر میکند که برای این نشریه تهیه شدند. مهلت دریافت مطلب برای انتشار تا عصر روز چهارشنبه و حداکثر تا ظهر روز پنجشنبه است.

هفتگی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

@hekmatis

Hekmatist.org

@hekmatis1917

@hekmatis pary

PARTOW TV

@patowtv

Thepartow TV

@PartowTV

@PartowTV

حزب حکمتیست در صفحات اجتماعی

زنده باد سوسیالیسم!